



لهذا کمر دل های خود را ببندید و هشیار شده، امید کامل آن فیضی را که در مکاشفه عیسی مسیح به شما عطا خواهد شد، بدارید. و چون ابنای اطاعت هستید، مشابه مشوید بدان شهواتی که در ایام جهالت می داشتید. بلکه مثل آن قدوس که شما را خوانده است، خود شما نیز در هر سیرت، مقدس باشید. زیرا مکتوب است: «مقدس باشید زیرا که من قدوسم.» اول پطرس ۱: ۱۳-۱۶

مقدس باشید زیرا که من قدوسم!



راجع به این حکم خداوند چه فکر می کنید؟ اصلاً قدوسیت به چه معناست؟ چرا خداوند می گوید «مقدس باشید» نه «مقدس شوید»؟ تا به حال فکر کرده اید که چگونه می توان در هر سیرت مقدس بود؟

ما انسان ها به صورت پیش فرض براساس طبیعتی که در آن متولد شدیم، رفتار می کنیم. بنابر کتاب مقدس، پس از اینکه آدم و حوا از فرمان خداوند سرپیچی کردند و مرتکب گناه شدند، طبیعت روحانی شان که تنها راه ارتباط شان با خداوند بود از بین رفت و آنها با طبیعت جسمانی و گناه تنها ماندند. از آن پس، گناه وارد سرشت آنها شد و این طبیعت گناه آلود به صورت نسل به نسل به همه آنانی که از نسل آدم هستند (همه ما انسان ها) انتقال پیدا کرد. بنابراین همه انسان ها با طبیعت گناه آلود متولد می شوند و بر اساس آن نیز رفتار می کنند.

پس از اینکه عیسای مسیح مشکل گناه انسان را حل کرد، طبیعت گناه آلود انسان از او گرفته نشد بلکه طبیعت روحانی به چیزی که وجود داشت، اضافه شد. با این توصیف، انسان پس از تولد دوباره، طبیعت گناه آلود و طبیعت روحانی را به صورت توّمان در درونش دارد و همین، کار او را بسیار دشوار می کند. به عبارت دیگر، عیسای مسیح با کاری که بر روی صلیب انجام داد، عمل مقدس کردن ما را به اتمام رساند ولی ما هنوز در همان بدن جسمانی و همراه با همان طبیعت گناه آلود زندگی می کنیم. بنابراین یک ایمان دار به عیسای مسیح دارای دو طبیعت است که می تواند بر اساسشان عمل کند.

پس چگونه می توان مقدس بود؟ راه کار پطرس در این آیات این است که ذهن خودمان را برای عمل کردن آماده کنیم، هشیار شویم و امیدمان را بر اساس فیضی قرار دهیم که در زمان دیدار رودررو با عیسای مسیح دریافت خواهیم کرد.

پیش از هر چیز باید ذهنمان را با کلام خداوند و وعده‌ها و احکامش تربیت کنیم تا بتوانیم نیک و بد را بر اساس استانداردهای او تشخیص دهیم (عبرانیان ۵: ۱۴). سپس نسبت به محیط پیرامونمان و موقعیتی که قرار داریم هشیار باشیم و امیدمان را نه به آرمان‌های زمینی و فانی، بلکه به آن شکوه و عظمتی ببندیم که در زمان ملاقاتمان با عیسای مسیح دریافت خواهیم کرد.

ما هر روز به صورت ناخودآگاه قبض برق یا آب، درگیری و دعوا در خیابان، رفتار ناشایسته با یک دستفروش، کلاهبرداری، تن‌فروشی و فحشا، آلودگی هوا، اخبار دروغ، افزایش لحظه‌ای قیمت مایحتاج زندگی و... را می‌بینیم. اینها واقعیت‌های این دنیا هستند که تمامی ما با آنها مواجه هستیم، چه بخواهیم و چه نخواهیم! ولی فرای تمامی این حقایق، حقیقتی دیگر نهفته است که برایمان ناملموس است. تنها دلیلش هم این است که با چشم و به صورت ناخودآگاه دیده نمی‌شود. برای دیدن این حقیقت باید نگاهمان را به سمت منبع آن، که کلام خداوند است هدایت کنیم. این حقیقت می‌تواند مرحمی شفابخش بر زخم‌هایی باشد که از دنیای پیرامونمان دریافت می‌کنیم. این حقیقت می‌تواند به ما کمک کند تا اسیر فریب‌ها، وعده‌های پوچ و درِ باغ سبزی که این دنیا به ما نشان می‌دهد نشویم. این حقیقت ما را آزاد می‌سازد. روزی این دنیا با تمامی سختی‌ها، مشکلات، دروغ‌ها و فریب‌هایش به پایان خواهد رسید و ما مسیح را رودررو خواهیم دید! این امیدی است که می‌تواند ما را در گذر از این دنیا استوار سازد.

چقدر کلام خداوند را با هدف شناخت بهتر او مطالعه می‌کنیم؟ چه تعداد از وعده‌های خداوند را در دل خود می‌دانیم و با تکرار کردنشان جان تازه می‌گیریم؟ کدام وعده‌های خداوند ما را تشویق می‌کنند؟ به هر میزان که زمانمان را با خداوند سپری کنیم، به همان اندازه می‌توانیم جدا از این دنیا یا *مقدس* باشیم.

ای پدر آسمانی! از تو سپاسگزارم که در این دنیای تاریک و شریر، تنها نیستم. ممنونم که حضور خودت را به من دادی! تو وعده داده‌ای که برای من خواهی جنگید، که من را ترک نخواهی کرد، که در درّه‌های تاریک زندگی همراهم خواهی بود، که اگر منتظر تو باشم جان تازه خواهم یافت... کمکم کن تا با تکیه به وعده‌های تو و امید به اتمام مشکلات و دیدن رودرروی تو، اسیر شهوات جسمم نشوم بلکه در هر سیرت، همچون تو مقدس باشم. به نام یگانه فرزندات عیسای مسیح، آمین!

